

ANICENIA.

طرح درس استکبارستیزی

نویسنده:
ابوالفضل هاشمی



ایده شروع

مربی به دانش‌آموزان می‌گوید: امروز برنامه نقد و بررسی فیلم سینمایی داریم.



همه با هم به تماشای فیلم «یتیم‌خانه ایران» می‌نشینیم و بعد از آن همه نظر خود را در مورد این فیلم اعلام می‌کنند.

یکی از شرایط ضروری برای بررسی یک فیلم این است که آن را به دقت تماشا و سعی کنیم مفهومی که سازنده از فیلم اراده کرده را دریافت کنیم، نه اینکه مفهومی را از خود به فیلم نسبت دهیم.



پس قبل از تماشای فیلم این چند سؤال را بنویسید و در مدت زمانی که فیلم تماشا می‌کنید به دنبال پاسخ آنها باشید:

۱. شخصیت اصلی داستان کیست؟ این شخص چه خصوصیتی دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند؟

۲. موضوع داستان چیست؟ چه صحنه‌هایی از فیلم برای شما جذاب بود؟

۳. انگلستان و روسیه از حضور خود در ایران چه هدفی را دنبال می‌کردند؟

۴. حضور بیگانگان در کشور چه دستاوردی برای ملت ایران داشت؟ علت اینکه مردم ایران در آن تاریخ دچار قحطی و بیماری شدند چه بود؟

۵. چرا نگاه شخصیت‌های داستان نسبت به بیگانگان متفاوت است؟

پس از پایان نمایش فیلم، مربی در همان جلسه - با اندکی استراحت پس از نمایش فیلم -^۱ یا جلسه بعد، درباره سؤالات مطرح شده با دانش‌آموزان گفت‌وگو می‌کند.

مربی باید سعی کند با توجه به موضوع فیلم و پاسخ‌های دانش‌آموزان، موضوع بحث را به مسئله استکبارستیزی و اهمیت آن سوق دهد.

یادداشت

استکبار از ریشه «کبر» و به معنای برتری‌طلبی و امتناع کردن از پذیرش حق از روی عناد به خاطر صفت تکبر است. این واژه با مشتقات آن ۴۸ مرتبه در قرآن کریم آمده است که ۴ مورد آن به استکبار ابلیس و بقیه موارد به استکبار انسان اشاره دارد. در منطق قرآن، بدترین اقسام استکبار تواضع نداشتن در برابر فرمان خداوند و انبیای الهی و نپذیرفتن فرامین آنهاست. «وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ؛ اَمَّا کسانی که کافر شدند [به آنها گفته می‌شود]: مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما استکبار کردید و قوم مجرمی بودید؟!»^۲

۱. این حالت بهتر است.

۲. جاثیه، ۳۱.

این واژه در اصطلاح بیشتر به سلطه‌جویی و استعمار معنا می‌شود. این حالت غالباً برای کسانی پیش می‌آید که دارای موقعیت برتری از لحاظ مالی، اجتماعی، سیاسی، علمی و... باشند؛ «استکبار آن است که انسان اظهار بزرگی کند و آنچه را که از او نیست و برای او روا نیست، ابراز کند. قرآن کریم مستکبران را در مقابل ضعفا قرار داده است، برای آگاهی دادن به این نکته که استکبار آنان به جهت قوه و نیروی بدنی و مالی آنها بوده است و در جای دیگر مستکبران را در مقابل مستضعفان قرار داده است».^۱ بنا بر تعریف فوق، استکبار وصف درونی است که می‌تواند مظاهر مختلفی را در جامعه داشته باشد. خودبزرگ‌بینی و نشناختن حد خود در مقابل خداوند و مردم، صفت درونی است و به استضعاف کشیدن انسان‌ها، بروز بیرونی آن است. قرآن کریم در مورد نافرمانی ابلیس می‌فرماید: «أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»^۲ و یا در مورد فرعون می‌فرماید: «وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ».^۳

استکبار در مصداق با واژه‌هایی نظیر «ظَلَمَ»، «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ»^۴ و «طَاغُوت»، «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا إِيْطَاغُوتَ»^۵ و در مفهوم با «عُتُو» به معنای گردن‌کشی «لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا»^۶ بیان شده است.

استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه‌گری و سلطه‌جویی و استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و منفعت طلب بر خیل عظیم توده‌های محروم می‌باشد. این عمل می‌تواند داخلی باشد به طریقی که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت‌های محروم تحت سلطه خود حاکمیت داشته و آنها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و همچنین می‌توانند بین‌المللی باشد، بدین معنی که دولت و یا کشوری سایر جوامع و ملت‌ها را استثمار و به استضعاف بکشد که نمونه بارز آن در گذشته و حال اعمال سیاست‌های استعمارگونه و امپریالیستی قدرت‌های بزرگ شرق و غرب در جهان می‌باشد.^۷

۱. راغب اصفهانی، معجم الفاظ قرآن، باب کبر.

۲. بقره، ۳۴.

۳. قصص، ۳۹.

۴. شوری، ۴۲.

۵. نحل، ۳۶.

۶. فرقان، ۲۱.

۷. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منوچهر محمدی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۳۳.

زمینه‌ها و عوامل استکبارورزی

۱. توهّم برتری در آفرینش. این خصلت شیطانی که اولین بار ابلیس آن را مطرح کرد منشأ بسیاری از فسادها و ظلم‌های بشر شده است که می‌توان آن را ریشه نژادپرستی‌ها و برتری‌های کاذب در جامعه دانست؛ چنان که در قرآن عامل استکبار شیطان این گونه بیان می‌شود: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ * قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ؛» [خداوند به ابلیس] فرمود: [وقتی که من به سجده فرمانت دادم،] چه چیز تو را از سجده کردن بر آن چیزی که من خلق کردم باز داشت؟ آیا استکبار ورزیدی یا از بزرگان بودی. [شیطان] گفت: من از او به‌ترم، مرا از آتش و او را از گل آفریدی^۱ در دنیای کنونی یهودیان به این معتقد هستند که نژاد آنها برتر است و خداوند همه انسان‌ها را برای خدمت و نوکری آنها آفریده است.

۲. ثروت و قدرت همراه با بی‌ایمانی و بی‌تقوایی. در صورتی که ثروت و قدرت با ایمان و تقوا همراه نباشد، زمینه‌ساز استکبار است. در قرآن درباره ریشه استکبار فرعون چنین آمده است: «وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ؛ و فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست و این نهرها از زیر [کاخ] من جاری نیست؟ آیا مشاهده نمی‌کنید»^۲. همچنین درباره قارون می‌فرماید: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ؛ قَارُونَ از قوم موسی بود؛ اما بر آنها ستم و ظلم کرد»^۳. علت این بغی و ظلم آن است که ثروت سرشاری به دست آورده بود، و چون ظرفیت کافی و ایمان قوی نداشت، این ثروت فراوان، او را فریب داد و به انحراف و استکبار کشانید.

مستکبر هیچ‌گاه از قدرت و ثروت سیری‌پذیر نیست و خواهان تسلط بر همه انسان‌ها و امکانات آنها است. اصولاً مبنای تمام ظلم‌ها و ستم‌های انسان چیزی جز منفعت‌طلبی نیست و این موضوع در قدرت‌های استکباری در حد بالایی وجود دارد. و آنان به تنها چیزی که اهمیت می‌دهند نفع مادی و حیوانی خود است. لذا در صورت به خطر افتادن این منافع، حاضرند از مردم کشور خود هم بگذرند و دوستان، متحدان و نوکران خود را فدا کنند تا منافع

۱. اعراف، ۱۲.

۲. زخرف، ۵۱.

۳. قصص، ۷۶.

آنها تأمین شود. جهان‌خواری، به دست آوردن سلطه جهانی و دستیابی به امکانات موجود در سراسر جهان، یکی از ویژگی‌های کشورهای استکباری است. از این رو کسب سلطه جهانی، تصاحب ذخایر ملت‌های دیگر و به چنگ آوردن جریان حیات اقتصادی جهان از ویژگی‌هایی است که در تمامی مستکبران دیده می‌شود.

۳. فقر فرهنگی و وابستگی فکری. گاهی افزون بر استعمارگران، خود مستضعفان نیز در تقویت استکبار نقش دارند و به تبلیغات، دسیسه‌ها و تهاجم فرهنگی مستکبران پاسخ مثبت می‌دهند و از آنها پیروی می‌کنند: «فَبَقُولِ الضُّعْفَاءِ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا؛ ضعیفان به مستکبران می‌گویند: ما پیرو شما بودیم».^۱ آیات ۳۱-۳۳ سبأ و ۲۱ ابراهیم حاکی از دسیسه‌های شبانه‌روزی مستکبران برای القای اندیشه خود به مستضعفان و تشویق آنان به پیروی از خود و همچنین بیان کننده پیروی مستضعفان از آنان به سبب ضعف فرهنگی است که در اغلب موارد با ضعف اقتصادی و ضعف نظامی نیز توأم است.

عقب نگه داشتن مستضعفان از رشد واقعی، یکی استراتژی‌های مهم استکبار جهانی جهت حفظ سلطه و برتری خود بر جهان و ادامه بقا و حیات خویش، جلوگیری از پیشرفت ملت‌های مستضعف در جنبه‌های مختلف فکری، علمی، صنعت و تکنولوژی، اقتصاد و... است. آنها در این جهت از انجام هیچ‌گونه اقدامی اعم از جذب نخبگان کشورهای جهان سوم و یا در حال پیشرفت، کارشکنی در برنامه‌های آنان، اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی و... به بهانه‌های مختلف دریغ نمی‌ورزند.

سؤال‌ها و پاسخ‌ها

۱. آیا با وجود قدرت و ثروت مستکبران عالم، مبارزه با آنان ممکن و عقلانی است؟ بهتر نیست ملت‌ها به جای صرف کردن تمام نیرو در مبارزه، با آنان کنار بیایند و این نظام بین‌المللی را بپذیرند؟ تا کجا باید در مقابل استکبار هزینه پرداخت کرد؟

یکی از زمینه‌های استکبار، قدرت و ثروت ظاهری است نه حقیقی. آنها در ظاهر بر ذخایر دنیا مسلط شده‌اند و در ظاهر از قدرت مادی برخوردارند؛ اما قدرت واقعی نیروی، اراده انسان‌های آزاده است که از نیروی اراده خداوند نشأت می‌گیرد و در نهایت نیز بر تمام نیروهای مادی غلبه می‌کند. علاوه بر اینکه بر تمام انسان‌ها لازم است در تقویت نیروهای مادی و معنوی در کنار هم تلاش کنند تا مجبور نشوند خفت و ذلت پذیرش ظلم را تحمل کنند.

نکته مهم‌تر اینکه قدرت آنها برتر از قدرت دیگران نیست. قرآن کریم با وجود اینکه شیطان را مستکبر و دشمن انسان معرفی کرده، کید و مکر او را ضعیف می‌داند و انسان‌ها را به مقابله با او تشویق می‌کند: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانُ ضَعِيفًا».^۱ یکی از ویژگی‌های استکبار، اضطراب و ترس درونی است. استکبار همواره در صدد تجاوز به حقوق دیگران است و اصولاً با تجاوز به حقوق دیگران رشد می‌کند. دیگرانی که حقوق آنها پایمال شده است، درصدد بازگرداندن حقوق از دست رفته خود و ضربه زدن انتقام‌جویانه به مستکبران‌اند. از این رو، مستکبر همواره در خوف و اضطراب به سر می‌برد.

عقل انسان برای حیات زیر سلطه، ارزشی قائل نیست. این مطلب پذیرفته نیست که یک ملت کار کند و دست‌رنج او را دیگران ببرند. پذیرش استکبار موجب از بین رفتن تمام سرمایه‌های انسانی و همچنین زندگی در ذلت خواهد شد. علاوه بر اینکه قرآن کریم نفی سلطه‌پذیری را به انسان‌های آزاده سفارش می‌کند: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۲؛ «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ»^۳ سخن و سیره معصومین نیز به ما این درس را می‌دهد. بنابراین، مانند امام حسین (ع) که فرمود «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا

۱. نساء، ۷۶.

۲. نساء، ۱۴۱.

۳. نساء، ۷۵.

بَرَمًا^۱ به درستی که من مرگ در راه مبارزه با حکومت ستمگران را نابودی تلقی نمی‌کنم، بلکه این مرگ را زندگی توأم با سعادت و زیستن با ظالمان را مرگی آمیخته با فلاکت می‌دانم». همه انسان‌ها نیز باید با تأسی به ایشان در مقابل زور بایستند و اگر چه هزینه‌هایی هم در این راه می‌دهند؛ اما در نهایت به یک حیات آزادانه خواهند رسید.

۲. با این توصیف راه مقابله و مبارزه با استکبار چیست؟

برای پاسخ به این سؤال برای شما مثالی می‌زنم: تصور کنید که در محل زندگی شما آدم زورگویی وجود دارد که دوست دارد همه از او حساب ببرند و مردم نیز از ترس در قبال ظلم و زورگویی‌اش کوتاه می‌آیند؛ او نیز از این رفتار مردم سوءاستفاده کرده و به دنبال منفعت‌طلبی خود است. شما نیز جوانی هستید که نمی‌خواهید زیر بار ننگ زورگویی چنین کسی بروید. عکس‌العمل شما در مقابل او چیست؟ (مربی پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود و در جمع‌بندی مطالب آنها می‌گوید) طبق تعالیم قرآن، شما چندکار باید انجام دهید:

۱. صبر و پایداری

نخستین اصل اساسی برای مبارزه با مستکبران، صبر و پایداری در برابر تهاجمات گسترده آنها و تحمل مشکلات و گرفتاری‌ها است و هر چه دشمن قوی‌تر باشد، استقامت بیشتری را می‌طلبد. قرآن کریم پیروزی بنی‌اسرائیل بر فرعونیان را محصول شکیبایی آنان در مبارزه معرفی کرده است و می‌فرماید: «وَأَوْثَرْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرُشُونَ»^۲ و مشرق‌ها و مغرب‌های پربرکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده ازیر زنجیر ظلم و ستم، واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی‌اسرائیل، به سبب صبر و استقامتشان تحقق یافت و آنچه فرعون و فرعونیان از کاخ‌های مجلل می‌ساختند، و آنچه از باغ‌های داربست‌دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم».

۱. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸.

۲. اعراف، ۱۳۷.

۲. آمادگی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری

قرآن کریم دشمنان اهل ایمان را در یک تقسیم‌بندی به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌کند. دشمنان درونی که شامل شیطان و لشگریانش و نفس اماره می‌شود، هرکدام به طریقی با انسان دشمنی می‌ورزند. اما قسم دیگر که دشمنان بیرونی هستند، شامل مستکبرین می‌باشد. همان‌گونه که قرآن دشمن را معرفی می‌کند، راه‌های مقابله با دشمنان را هم بیان می‌کند. مثلاً در مورد خطر شیطان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گام‌های شیطان پیروی نکنید» و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ؛^۲ و اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسد به خدا پناه ببر» و در مقابله با دشمنان بیرونی هم توصیه قرآن آمادگی سخت‌افزاری است: «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً؛^۳ آنان (کفار) باید در شما سختی بیابند» یا آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تَرْهَبُونَ بِهِمْ عِدُوَّ اللَّهِ وَ عِدْوَكُمْ»^۴ و در کنار آن آمادگی نرم‌افزاری را توصیه می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ»^۵ و «وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ اسْتَلْحِظْهُمْ»^۶ حذر به معنای احتیاط است و به معنای وسیله دفاعی است. یعنی آمادگی، هوش و حواس خود را جمع کنید.^۷

۳. وجود رهبری صالح و یاورانی صدیق

در راه مبارزه با استکبار، وجود رهبری شایسته و جمع شدن یاران و افراد جامعه گرد محور او از ضروریات است. رهبر صالح و نیروی انسانی دو شرط اساسی برای مبارزه با ستمگران است؛ چنان‌که در قرآن می‌فرماید: «يَوْمَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛^۸ شما را چه شده است که در راه خدا و [در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید، آنان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این

۱. نور، ۲۱.

۲. اعراف، ۲۰۰.

۳. توبه، ۱۲۳.

۴. انفال، ۶۰.

۵. نساء، ۷۱.

۶. نساء، ۱۰۲.

۷. المیزان، ج ۴، ص ۶۶۷؛ تسنیم، ج ۱۹، ص ۴۶۸.

۸. نساء، ۷۵.

شهری که مردمش ستمگرند، بیرون بر و از جانب خود، رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، برای ما یآوری تعیین فرما».

۴. اتحاد و انسجام

یکی از راه‌های سلطه مستکبران بر مردم و به استضعاف کشیدن آنان، ایجاد تفرقه میان ایشان است. پس برای مبارزه با مستکبران باید در جهت مخالف این راه گام برداشت و با وحدت و انسجام، ضربه‌های مهمی بر آنان وارد کرد.

۵. برخورد تهاجمی با استکبار

در قرآن آمده است که «الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»^۱ کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آنها که کافرند، در راه طاغوت (بت و افراد طغیانگر)؛ پس شما با یاران شیطان پیکار کنید؛ زیرا نقشه شیطان، ضعیف است». بسیاری از آیات قرآن دستور به مبارزه با استکبار می‌دهد و به ما گوشزد می‌کند که آنها همواره در فکر مبارزه و ضربه زدن به شما هستند و راه مقابله با نقشه‌های آنان مبارزه است.

تمرین

یکی از اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نفی سلطه‌پذیری و مبارزه با ظلم و استکبار و فریادرسی به مظلومان عالم است. در مورد این اصل مهم با محوریت سؤال زیر تحقیق کنید:

جایگاه آن در قانون اساسی چیست؟

این مسئولیت بر عهده کدام یک از ارکان نظام است؟

مردم چه نقشی در تأمین این هدف دارند؟

نظام اسلامی ایران تا به حال به چه میزان به این اصل پایبند و در اجرای آن موفق بوده است؟

نقش دولت‌هایی که تا به حال انتخاب شده‌اند چقدر بوده است؟

به چه میزان رهبری نظام (امام خمینی و مقام معظم رهبری) نقش ایفا نموده‌اند؟
استکبارستیزی چه منافع یا ضررهایی برای ما داشته است؟
می‌توانید در مورد یک یا چند مورد از این سؤالات، به صورت فردی یا گروهی
تحقیق کنید.